

تولید ثروت در قرآن و تأثیر آن در زندگی اجتماعی انسان

کبری بختیاری^۱

چکیده

این مقاله با عنوان «تولید ثروت در قرآن و تأثیر آن در زندگی اجتماعی انسان» به بررسی و تحلیل مفهوم ثروت‌آفرینی از منظر آیات قرآن کریم و تبیین تأثیرات آن بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی انسان می‌پردازد. پاسخ اصلی ارائه شده این است که قرآن کریم، با نگاهی جامع و متعادل، تولید ثروت را نه تنها مجاز، بلکه در چارچوب اصول و ارزش‌های اخلاقی و الهی، امری مطلوب و دارای پیامدهای مثبت فردی و اجتماعی می‌داند. این پژوهش نشان می‌دهد که اسلام، ضمن تأکید بر کسب حلال و پرهیز از دنیاپرستی مذموم، ثروت را ابزاری برای رشد، آبادانی، رفع نیازهای جامعه، و گسترش عدل و احسان می‌شناسد و بر نقش آن در تقویت همبستگی اجتماعی، توزیع عادلانه، و توسعه اقتصادی تأکید دارد. روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع قرآنی، تفسیری، و روایی است. با بررسی آیات مرتبط با مفاهیم ثروت، رزق، کسب، انفاق، و عدالت اقتصادی در قرآن کریم، تلاش شده است تا دیدگاه جامع اسلام در این زمینه استخراج و سپس با رویکرد تحلیلی، تأثیرات آن بر ابعاد اجتماعی زندگی بشر مورد واکاوی قرار گیرد. این پژوهش با تمرکز بر اصول و آموزه‌های قرآنی، به دنبال ارائه یک چارچوب نظری برای تبیین نقش سازنده تولید ثروت در جوامع اسلامی است.

واژگان کلیدی: انسان، ثروت، زندگی اجتماعی، قرآن

^۱ طلبه سطح ۲، مدرسه فاطمیه (س)، شهرستان دهلران

مقدمه

در جوامع معاصر، شاهد نابرابری‌های فزاینده اقتصادی، تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص و پیامدهای نامطلوب آن بر زندگی اجتماعی هستیم. این وضعیت، ضرورت بازنگری در مبانی فکری و عملی تولید و توزیع ثروت را آشکار می‌سازد. پرسش اصلی این مقاله این است که مسئولیت‌های تولید ثروت از منظر قرآن چیست و چگونه می‌تواند بر زندگی اجتماعی انسان تأثیرگذار باشد؟ با توجه به آموزه‌های قرآنی، آیا می‌توان مدلی برای تولید و توزیع ثروت ارائه داد که به عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و سعادت بشری منجر شود؟ پژوهش‌های متعددی درباره اقتصاد اسلامی و آموزه‌های قرآنی در حوزه مال و ثروت انجام شده است. برخی مطالعات بر مفاهیمی چون کار، تولید، مصرف و توزیع از دیدگاه قرآن تمرکز کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر به نقش زکات، خمس و صدقات در فقرزدایی و عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد جای یک تحقیق جامع که به طور خاص به مسئولیت‌های تولید ثروت در قرآن و ابعاد اجتماعی آن بپردازد، خالی است. این مقاله تلاش می‌کند تا با تحلیل دقیق عوامل تولید و تأثیر ثروت در نگاه قرآن، خلأ موجود را پر کند.

نیز اغلب پژوهش‌ها صرفاً بر ثروت مادی متمرکز بوده‌اند و از ثروت معنوی غفلت کرده‌اند. در مواردی که به شاخص‌های ثروت معنوی (مانند صبر، ایمان، قناعت) پرداخته شده، این بررسی‌ها پراکنده و فاقد تحلیل همه‌جانبه، به ویژه در زمینه رابطه متقابل ثروت‌های مادی و معنوی و همکاری آن‌ها در زندگی انسان بوده‌اند. برای نمونه، پژوهش فیروزی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «تأثیر ثروت‌های پنهان بر رشد و تعالی زندگی انسان از دیدگاه آیات و روایات معصومین (ع)»، در عین پرداختن به ثروت‌های پنهان (معنوی)، به تأثیر آن بر سایر ثروت‌ها نپرداخته است. پایان‌نامه مسعود مددی (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی آیات و روایات مرتبط با تولید ثروت»، به ابهام مذموم یا ممدوح بودن تولید ثروت از دیدگاه اسلام می‌پردازد. پایان‌نامه عباس علی طالبی حبیب‌آبادی (درباره تولید ثروت از منظر امام علی (ع))، صرفاً محدود به نهج البلاغه بوده و به راهکارهای تولید ثروت نمی‌پردازد.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: «مسئولیت‌های تولید ثروت در قرآن چیست؟»

این مقاله اهدافی مانند تبیین مفهوم تولید، عوامل مادی و معنوی مؤثر بر افزایش ثروت از نظر قرآن دنبال می‌کند.

نگارنده در این مقلله، ابتدا به مفاهیم و سپس به عوامل مادی و معنوی مؤثر بر افزایش ثروت از نظر قرآن پرداخته است و در نهایت، مقاله با نتیجه‌گیری درباره مسئولیت‌های تولید ثروت در قرآن نگارش خود را به اتمام رسانیده است.

مفاهیم نظری تحقیق

تعریف تولید

انسان با اکثر حیوانات این تفاوت را دارد که غالب حیوانات معاش خود را از طبیعت به صورت آماده‌های دریافت می‌کنند و خود قادر به تولید آنها نیستند، یعنی لزومی ندارد که مقداری کار روی مواد طبیعی انجام دهند تا آماده شود، و هم قادر به انجام چنین کارهایی نیستند، ولی انسان از طرفی ملزم است به این که غالب وسایل معاش خود را با کار آماده کند، و هم استعداد چنین کارهایی در او هست. بلکه میتوان گفت در متن خلقت بین این احتیاج و این قدرت ارتباط برقرار است. البته بعضی حیوانات نیز هستند که وسایل معاش خود را با کار آماده می‌کنند و مولد به شمار می‌آیند، مانند زنبور عسل و بعضی مورچگان که هم زراعت دارند و هم دامداری. و چون تولید نیز معمولا انفرادی نیست، اشتراکی و تعاونی است، قهرا روابط و مقررات خاصی را ایجاد میکند. پس روابط اقتصادی و قانونی به روابطی که در باب تقسیم و توزیع و مصرف وسایل معاش ضرورت پیدا میکند منحصر نیست، یک سلسله روابط نیز خواه ناخواه در تولید، میان افراد برقرار میشود، مانند رابطه مزدبگیری و فروش کار و مزارعه و غیره. پس روابط اقتصادی، از طرفی به واسطه تولید، و از طرفی به واسطه تقسیم و توزیع ثروت برقرار میشود، یعنی چون ثروت غالبا در اول باید تولید، و سپس تقسیم و توزیع شده، و همه به آن احتیاج دارند و وافر و رایگان نیست، قهرا روابط اقتصادی به میان می‌آید. ولی روابط تولیدی مربوط است به ارزش کار، و ارزش کار اختصاص ندارد به کارهایی که در تولید انجام می‌گیرد، کارهای غیر تولیدی، یعنی کارهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی نیز ارزش دارد، در آن جا نیز روابط خاص اقتصادی به میان می‌آید، بلکه ارزش کار تابع ارزش اقتصادی نیست، یعنی این طور نیست که منحصر ملاک ارزش کار، حاجت اقتصادی باشد، ملاک ارزش کار، همه احتیاجات طبیعی و فطری است، اقتصاد یکی از احتیاجات طبیعی و فطری است.

روابط اقتصادی دو نوع است: روابط تکوینی و طبیعی، و روابط اعتباری و قانونی (و به عبارت دیگر دو نوع اقتصاد داریم: اقتصاد طبیعی و اقتصاد برنامه‌ای). روابط طبیعی عبارت است از یک سلسله روابط علی و معلولی که خواه ناخواه در امور اقتصادی پیش می‌آید، مثل روابط مربوط به عرضه و تقاضا و بهاء در اقتصاد آزاد و مبادله‌ای: تورم پول، افزایش و کاهش قیمت‌ها، بیکاری، بحران اقتصادی، سود، ضرر، مزد، مالیات، و امثال اینها، اما روابط اعتباری و قراردادی عبارت است از قوانین مربوط به حقوق و مالکیت‌های شخصی یا اشتراکی (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۱).

تولید و عوامل تولید ثروت در قرآن

تولید : تولید یعنی پدید آوردن چیزی از چیزهای دیگر و یا عملیات به وجود آوردن و افزایش مقدار اموال و خدمات غرض ارضاء خواهشها و رفع نیازمندیهای انسانها را تولید مینامند.

عوامل تولید

به عواملی که انسان به کمک آنها میتواند کالا و خدمات را تولید نماید عوامل تولید گفته میشود. عوامل تولید را میتوان بصورت عموم به چهار عامل ذیل مرتبط دانست:

۱- منابع طبیعی (زمین :) تمام منابعی را که طبیعت به اختیار انسانها گذاشته و کار انسانها بالای آن صورت میگیرد، مانند : زمین، آب، موادخام، باد و ... منابع طبیعی گویند.

۲- کار (نیروی انسانی): کار عبارت از فعالیت فیزیکی و دماغی انسان ها است که هدف آن تولید اشیاء و خدمات ضروری زندگی بشر میباشد و یا به عبارت دیگر کار عبارت از پروسه فعالیت هدفمند انسان ها است که به وسیله آن انسان شکل طبیعت را تغییر داده و جهت رفع احتیاجات خویش آن را مساعد میسازد.

۳- سرمایه : کلیه وسایل و تجهیزات که توسط انسان ساخته میشوند و منظور از ساختن آنها استفاده از خود آنها نیست، بلکه برای تولید کالاهای دیگر به کار گرفته میشوند سرمایه نام دارند. مانند ماشین و آلات، ابزار و آلات، دانش فنی و غیره.

۴- مدیریت : عبارت از تمام استعداد های انسانی است که جهت تنظیم پروسه تولید به کار میرود. مانند توانایی اتخاذ تصمیم، توانایی تعیین اهداف ، توانایی انتخاب ، کاربرد و ترکیب سایر عوامل تولید.

تاثیر ثروت در نگاه قرآن

خداوند زمینه های کسب ثروت را فراهم نموده (ملک، ۱۵) و کسب ثروت را ذاتاً مذموم ندانسته است. قرآن ثروتمندانی همچون حضرت سلیمان(علیه السلام)(سبا: ۱۲-۱۳) ، داوود(علیه السلام)(سبا: ۱۰-۱۱) و ذوالقرنین(کهف: ۹۵ و ۹۸)) که مال را نعمت الهی دانسته و با دلبستگی به خدا (و نه مال) ثروت را در راه خدمت به دین خدا به کار بسته اند را در مقابل قارون(قصص: ۷۹) (فرعون (یونس: ۸۸)، ولیدبن مغیره(قلم: ۱۲-۱۵ و مدثر: ۱۲) و ابی لهب(مسد: ۱-۲) و به طور کلی مترفان، ملأ و مستکبران که عشق بیش از حد به مال موجب سقوط آنان شده قرار می دهد. نگرش گروه اول آن است که مال، رحمت(کهف: ۹۸) و فضل الهی است و گروه دوم از جمله قارون ثروت را دستاورد (دانش) خود دانسته اند(قصص: ۷۹) و اصل امانت و نیز مبدأ و معاد را فراموش نموده و به شادخواری و التذاذ حیوانی مست شده اند.

قرآن هر دو نگرش را در قالب مثال زیبایی از دو باغ پر ثمر که مالک اولی آن را نعمت خدا می دانست و دیگری منکر اراده الهی شده و باغ وی نابود شد بیان می کند. ثروت معیار ارزش نیست(اسراء: ۹۰-۹۳؛

زخرف: ۵۱-۵۳؛ بقره: ۲۴۷؛ سبأ: ۳۷ و کهف: ۲۸) همان طور که فقر ضد ارزش نیست. قرآن ثروت و غنای همراه با اتراف به معنی خودکامگی در مستهلک کردن مال و بطر به معنی طغیان گری به وسیله ثروت را نکوهش کرده و ثروت را زمینه طغیان دانسته است (اسراء: ۱۶ و انبیاء: ۱۱-۱۶))

«کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی». (علق: ۶-۷)

اصولاً ثروتمندان دنیاپرست حامیان و هم‌دستان اصلی طاغوت هایی همچون فرعون و نمرود بوده اند.

رشد اقتصادی تولید ثروت از دیدگاه قرآن

انسان جانشین خدا در زمین است (بقره: ۳۰) و از طرف او مأمور به حمل امانت الهی است. خداوند از انسان خواسته تا به آبادی و عمران امانتی که به او سپرده شده یعنی زمین و مظاهر آن بپردازد: «والی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب». (هود: ۶۱)

آبادی و عمران زمین موجب افزایش رفاه انسان ها و موجب رشد اقتصادی می شود. رشد اقتصادی در اسلام فریضه و عبادت است. و البته هدف از رشد، خود انسان است. انسان موضوع و محور رشد اقتصادی است و از رهگذر ابتلا و عمل، درجات افراد تعیین شده و برای پاسخگویی در محضر الهی آماده می شوند. رشد اقتصادی در اسلام همه جانبه است و عمارت بلاد و استصلاح اهل همزمان در خدمت معرفت و تقرب الی الله است. نیز این رشد متوازن است. هدف نه تنها افزایش تولید بکله عدالت در توزیع است. افراد قطع نظر از جنسیت و دین باید به حد کفایت سطحی از زندگی شرافتمندانه به حسب زمان و مکان را در اختیار داشته باشند (القنجرى، ۱۳۸۱).

اصل تضمین روزی و حق معاش

خداوند روزی تمامی جنبندگان روی زمین را تضمین نموده است:

«وما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین» (هود: ۶) خداوند مبادی کسب روزی را نشان داده و خزاین روزی دست او است و او اندازه روزی همه را می داند: «والارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برازقین و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم». (حجر: ۱۹-۲۱)

نیز رزق را به اراده خود فراوان و یا اندک می سازد:

«الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر» (رعد: ۲۶)

و البته به وفور لازمه های زندگی را در اختیار انسان قرار داده است:

«ولا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم بطرا و رثاء الناس و يصدون عن سبيل الله و الله بما يعملون محيط».(انفال: ٤٧)

٦. منع سوء تدبیر

هر گونه طغیان و سوء استفاده از نعمت های الهی موجب نابودی نعمت ها و هلاکت انسان ها می گردد.
«وكم اهلکنا من قریه بطرت معیشتها فتلك مساکنهم لم تسکن من بعدهم الا قليلا و کنا نحن الوارثین»(قصص: ٥٨)

قرآن استفاده از طبیات رزق و حتی زینت های الهی را مجاز شمرده و دستور داده که تصرف همراه با عمل صالح در رعایت تقوا، شکر، ترک گناه و پیروی نکردن از شیطان و عدم سرکشی، ادای حقوق و ترک اسراف باشد. «واذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفیهاففسقوا فیها فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا»(اسراء: ١٦)
«ولا توتو السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما...»(نساء: ٥)

در لسان معصومین(علیه السلام) ترک تقدیر در معیشت موجب فقر و سوء تدبیر موجب نابودی مال فروان دانسته شده است.

٧. منع انحصار، احتکار، کنز، تداول ثروت در دست اغنیا و تکاثر کنز و نگهداری ثروت و حبس آن مستوجب عذاب الهی است:

«يا ايها الذين آمنوا ان كثيرا من الاحبار و الرهبان لياكلون اموال الناس بالباطل و يصدون عن سبيل الله و الذين يکزنون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبيل الله فبشرهم بعذاب الیم»(توبه: ٣٤)
تداول ثروت بین اغنیا و عدم توزیع مجدد آن و نپرداختن حقوق واجب و مستحب آن و ایجاد شکاف طبقاتی نیز موجب ترک اوامر الهی و رویگردانی از راه حق و تیره روزی می گردد.
«ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فلله و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل کی لا یکون دولة بین الاغنیاء منکم»(حشر: ٧)

جمع آوری ثروت و عشق به آن و تصور این که این ثروت می تواند موجب جاودانی انسان گردد نفرین و لعنت الهی را به همراه دارد:

«ویل لكل همزه لمزه الذی جمع مالا وعدده الذی جمع مالا وعدده»(همزه: ١-٣)
ثروت اندوزی و تکاثر که موجب غفلت از یاد خدا می گردد نیز باعث منع فضل الهی و کاستی ثروت می شود.

«الهاکم التکاثر حتی زرتم المقابر»(تکاثر: ١-٢)

۸. منع ربا

تصور این که قرض ربوی می تواند موجب فزونی مال گردد صراحتهً در قرآن کریم مردود شمرده شده است.

«وما آتیتم من ربا لیربو فی اموال الناس فلا یربو عندالله و ما آتیتم من زکاه تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون» (روم: ۳۹)

ربا در قرآن شدیداً تحریم شده (بقره: ۲۷۵) و جزو گناهان کبیره شمرده شده است (بقره: ۲۷۶) و ارتکاب آن اعلان جنگ با خدا و رسول به شمار آمده است (بقره: ۲۷۸)

ربا مال را به تدریج از بین می برد؛ زیرا سنگدلی و قساوت را منتشر می سازد. بغض، دشمنی و سوءظن را به ارمغان می آورد و امنیت را تباه می سازد. افراد را به انتقام به هر وسیله ممکن تهییج می کند و به تفرقه و اختلاف دعوت می نماید. بیشتر راه های فساد و درهای زوال مال به وسیله آن گشوده می شود (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۴۳)

نتیجه گیری:

اسلام در برابر مال و ثروت موضعی منفی ندارد با آن مخالف نیست. اسلام ثروتی را می پسندد که موجب ابتغاء آخرت و طلب سرای دیگر است. اسلام ثروتی را که موجب نیکی به همگان باشد میپسندد و بالاخره اسلام ثروتی را خواهان است که مایه فساد در زمین و فراموش کردن ارزشهای انسانی و گرفتار شدن در مسابقه جنون آمیز «تکاثر» نگردد و اینکه ثروت وسیله ای باشد برای استفاده همگان، برای پر کردن خलाهای موجود اقتصادی، برای مرهم نهادن بر زخمهای جانکاه محرومان، و برای رسیدن به نیازها و مشکلات مستضعفان.

از جمله آثار و ثمرات تحقق همبستگی توسعه و فناوری و تولید ثروت «استقلال و خودکفایی اقتصادی نظام اسلامی است. اسلام یک نظام صرفاً معنوی نیست که تنها به استقرار عقیده در دل های مسلمانان و انجام امور فردی دینی اکتفا کند و مأموریت خود را پایان یافته بداند، بلکه اسلام یک روش عملی واقعی برای زندگی شرافتمندانه، همراه با عزت و اقتدار جامعه و امت اسلامی است و با هر گونه سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانه و غیر الهی به مقابله بر میخیزد.

بدترین سلطه بیگانگان که زمینه ساز سلطه میگردد، سلطه اقتصادی است و سلطه اقتصادی آن گاه بر جامعه ای سایه میافکند که اقتصاد آن از لحاظ تولید و تأمین کالاهای اساسی عاجز باشد. با توجه به نقش تاثیرگذار توسعه و فناوری در تولید بهینه کالاها و ارائه خدمات انحصاری، چنانچه سرمایه گذاری در بخش های علمی، فرهنگی و فنی، رونق نگرفته باشد، تأمین رفاه و استقلال جامعه و رهایی از سلطه قدرت های استکباری در دنیای امروز امکانپذیر نخواهد بود. هد اسلام تنها تأمین سعادت فرد نیست، بلکه در کنار آن تأمین سعادت اجتماع را نیز در نظر گرفته است چون طبیعی است که سعادت و خوشبختی افراد بدون سعادت هرگز عملی نیست همچنانکه سعادت جامعه بدون رفاه و خوشبختی افراد آن، غیر ممکن میباشد. حکومت اسلامی برای رفع نیازمندیهای فرد و نجات او از فقر و بدبختی به قدری دستش باز است که راههایی را بر سر راه مردم قرار داده است تا از این طریق مانع از انباشته شدن ثروت و راکد ماندن آن در دست یک گروه خاص شود که این ثروت ها را مانند تویی در بین خود پاس ندهند و محرومان جامعه از آن سووه می نبرند. و به همین منظور دین مقدس اسلام مالیات هایی چون انفاق، زکات خمس، سایر مالیات ها وضع نموده تا از این طریق آنها بتوانند صاحب کار و سرمایه گردند و زندگی خود را اداره کنند و با این شیوه اسلام در صدد است ثروت ها به صورت

عادلانه و برابر میان افراد جامعه تقسیم شود. بنابراین خودکفایی، یکی از آثار و ثمرات همبستگی توسعه و فناوری و تولید ثروت حاصل از آن می باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱) احمدیان احمدآبادی، ۱، (۱۴۰۳)، عدالت اقتصادی و تاثیر آن در رونق کار و تولیداز منظر نهج البلاغه، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان.

۲) پیشگر، ز، (۱۳۸۵)، اسراف و تبذیر از دیدگاه قرآن، پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

۳) جوادی آملی، ع، (۱۴۰۳)، عدالت و تولید دو رکن اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، قم: ایرنا.

۴) رجایی، م، (۱۳۸۲) معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵) شوقی الفنجری، م، (۱۳۸۱)، مبانی نظری تولید عادلانه، ترجمه یوسف محمدی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ۲(۷).

۶) طباطبایی، م، (۱۳۶۸)، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۷) طبرسی، ف، (۱۳۵۹)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه احمد بهشتی، تهران: فراهانی.

۸) عاملی، ح، (۱۰۴۹)، وسائل الشیعه، بیروت: موسسه ال البيت.

۹) غلامپور، ا، (۱۴۰۱)، احسان و عدالت در اقتصاد اسلامی، خبرگزاری تحلیلی ایران.

۱۰) فارسی، ج، (۱۳۶۱)، انقلاب تکاملی انسان، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۱) کلینی، م، (۱۳۸۵)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد(ع).

۱۲) مجلسی، م، (۱۳۷۷)، بحارالانوار، مترجم: محمدعلی ایادی روحانی، تهران: مهام.

۱۳) محدث نوری، ح، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: موسسه آل البيت، الاحیاء التراث.

۱۴) مطهری، م، (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، قم: صدرا.

۱۵) مطهری، م، (۱۳۷۸)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، قم: صدرا.

۱۶) موسایی، م، (۱۳۸۳)، اصول کلی حاکم بر تولید از دیدگاه امام علی (ع)، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ۴(۱۳).

۱۷) الهامی، د، (۱۳۷۶)، اسراف و تبذیر یک آفت جهانی، ماهنامه مکتب اسلام، ۴.

منابع الکترونیک

سایت راسخون (www.raseekhoon.net)

سایت گروه تحقیقاتی کرامت (www.keramatzade.com)